پژوهش نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صص ۵۹ـ۸۹ (مقاله پژوهشی)

No. 27, Autumn & Winter 2020/2021

آسیب‌شناسی ارتجاع و تزلزل جوامع دینی از منظر قرآن با تکیه بر بافت اجتماعی و ذهنی (مورد مطالعه: یهود صدر اسلام)

زهرا رادی میبدی[۱]، اعظم پرچم[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۶/۱۷ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۷/۲۱)

چکیده

برخی از جوامع دینی، به رغم ادعای دینداری، با وجود پیشرفت‌های علمی و اقتصادی، در ورطـه سـقوط و تباهی افتاده‌اند؛ زیرا، پیشرفت‌های علمی و اقتصادی به تنهایی، ضامن حفظ یک جامعه و تمدن آن نیست؛ بلکه، آنچـه ضمانت حفظ جامعه و تمدن آن را به عهده دارد، داشتن تحول رو به جلو است. قرآن کریم، در مسیر تحقّق تحـول رو به جلو، پایبندی بر موازین دینی و شریعت را، در کنار پیشرفت‌های گوناگون و همه‌جانبه، از ارکان اصلی حفظ جامعه می‌داند و در این راستا، جوامعی را برمی‌شمارد که به‌رغم پیشرفت‌های متعدد، دچار تزلزل و سقوط گشتند. نمونه‌ای از جوامعی که دچار آسیب کفرِ پس از ایمان شده، جامعه یهود است که به رغم ادعای ایمان به خدا و نبـوت موسـی(ع)، در مسیر پایبندی بر موازین دینی، دچار لغزش شد، تا جایی که انبیای الهی را کشته و در برابر پیـامبر اسـلام(ص) نیـز ایستاد. این پژوهش، ابتدا آسیب‌های گریبان‌گیر جامعه یهود، که مانع از تحوّل رو به جلو شده و به رغم پیشرفت‌هـای اقتصادی، منجر به سقوط و تزلزل این جامعه گشته را، مورد بررسی قرار داده؛ سپس به مدد تحلیل مؤلفـه‌هـای بافـت اجتماعی و ذهنی، علت عدم توانمندی این جامعه را، در پایبندی بر موازین دینی، تبیین نموده است. رهیافت‌ها حـاکی از آن است که، دو آسیب «دنیاطلبی و قومیت گرایی»، پایبندی حاکمان، علما و آحاد جامعه یهود را، در اجرای برخـی از موازین دینی و توحیدی، به ویژه تصدیق نبوت خاتم(ص)، به چالش کشانده است. در نتیجه این آسـیب‌هـا، جامعـه یهود، از ارزش‌ها و آرمان‌های توحیدی و هویت اصیل دینی خود، فاصله گرفته و از تحوّل رو به جلو بازمانـده و بـه ناهنجاری‌های رفتاری از قبیل: حسادت، نفاق، توطئه، کتمان و تحریف حقیقت، کفر و ایستادگی در برابر حق، مبـتلا و به سقوط معنوی و مرگ تمدنی دچار گردیده است.

کلید واژه‌ها: قرآن، یهود، آسیب شناسی، ارتجاع، بافت اجتماعی و ذهنی

---

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ radi.zahra@yahoo.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده‌مسئول)؛ azamparcham@gmail.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

۱ـ مقدمه و بیان مسأله

اساساً یک جامعه دینی، برای ثبات و حاکمیت خود، تنها به پیشرفت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و توسعه روابط بین‌الملل نیاز ندارد؛ بلکه، جامعه دینی، برای ثبات خویش، نیازمند تحوّل رو به جلو است. تحوّل رو به جلو؛ یعنی، جامعه ضمن نوگرایی، آبادانی و پیشرفت‌های اقتصادی، سیاسی و... بر موازین دینی و توحیدی نیز، پایبند باشد. برخلاف تصور رایج، تمدّن و به روز بودن، نه تنها هیچ منافاتی با تعبّد ندارد، بلکه تعبّد و التزام بر موازین دینی، ضامن پیشرفت و تحوّل رو به جلو است؛ زیرا، کارکرد دین، فقط در زمینه احوالات شخصی و مسائل عبادی نیست، بلکه دین، رسالت نظام‌سازی و تمدن‌سازی نیز، دارد. این نکته‌ای است که، غفلت حاکمان، علما و مردم جامعه از آن، می‌تواند منجر به انحطاط و ارتجاع جامعه شده و آن را، به مرگ تمدنی مبتلا سازد.[۱]

رشد فزاینده تکنولوژی در دنیای امروز و امکان سوء استفاده از آن، توسط جریان‌های حاکم و صاحب نفوذ، احتمال لغزش از موازین توحیدی را، دو چندان کرده و بشریت را، در مخاطره جدّی قرار داده است. از آنجا که، هدف اصلی حکومت دینی، حاکمیت توحید و امنیت و آرامش در جامعه بشری است، توجه به اصل پایداری و استقامت بر موازین و دستورات دینی، در کنار پیشرفت اقتصادی، سیاسی و تمدّنی، اهمیتی بسزا دارد. اگر در جامعه، قوانین الهی حاکم نباشد و حاکمان و علما، به ثروت‌اندوزی روی آورند، جامعه طاغوتی خواهد شد (نکـ : نصری، ۳۰۸-۳۱۲)، در این صورت، فرهنگ طبقه حاکم جامعه، برای مردم نیز، خطرناک خواهد بود. به علاوه، زیرساخت امنیتی، خواه از نوع جانی و خواه اقتصادی، برای دیگر جوامع نیز، متزلزل خواهد شد (البقره، ۲۰۴).

نمونه‌ای از جوامعی که از دین، به عنوان ابزاری برای تمدن‌سازی و جامعه‌سازی بهره نبرده، جامعه یهود است. سردمداران جامعه یهود، صرفاً به داشتن نام دین اکتفا کرده و در عمل، التزامی به رعایت موازین دینی نداشتند. از این‌رو، این جامعه به رغم برخی

---

۱. برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری در ۱۴ خرداد ۱۳۹۹.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

پیشرفت‌های اقتصادی، نه تنها جهشی رو به جلو نداشت، بلکه دچـار عقبگـرد و ارتجـاع، گردید. قرآن کریم، در آیات متعددی به انحطاط قوم یهود، اشاره کرده اسـت. از بـارزترین آیات در این زمینه، آیات مربوط به پرستش گوساله سامری (البقره، ۵۱ و۹۲) و نیز کشـتن پیامبران الهی (البقره، ۶۱؛ آل‌عمران، ۲۱) توسط یهود است، که خداوند به شـدت آن‌هـا را، توبیخ نموده است. در کتب عهد قدیم نیز، گزارش‌هایی مبنی بر لغزش امت یهود از توحیـد، نافرمانی و عهدشکنی (ارمیا، ۶/۱۱-۱۱)، پیامبرکشی (نحمیا، ۲۶/۹-۲۷) و خشم و غضب خداوند بر قوم بنی‌اسرائیل، ویرانی شهرها و آوارگی مردمانش(خروج، ۹/۳۲-۱۰؛ اعـداد، ۱۱/۱۴؛ تثنیه، ۶/۹-۸) بیان شده است. منابع تاریخی نیز، به کفر یهود (ابن‌هشـام، ۱۵۹/۲ و ۱۶۴) و پیامبرکشی آن‌ها (طبری، ۱۴۴/۴؛ واقدی، ۱۶۵؛ ابن‌کثیر، ۳۲/۲) اشاره نموده‌اند.

این موضوعات، گویای این حقیقت است که، در جامعه یهود، پایداری و التزام بـر مواضـع دینی و اجرای فرامین الهی، به ضعف گراییده و این جامعه را، به ورطه تزلزل و سقوط کشانده است. بر همین اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به علل ارتجاع و عقب‌گـرد یهـود صدر اسلام و عدم پایبندی آن‌ها، به اجرای دستورات دینی، از منظر آیـات قـرآن اسـت، تـا روشن شود که چرا، گاهی یک جامعه دینی، باوجود ادعای دینداری و برخی پیشـرفت‌هـای اجتماعی، ممکن است دچار ایستایی شده و به تزلزل و انحطاط مبتلا گردد.

در آثار گذشتگان، پژوهش‌هایی پیرامون جامعه یهـود صـورت گرفتـه[1]؛ امـا پیرامـون

---

۱. برخی از آثاری که می‌توان به عنوان پیشینه پژوهش به آن‌ها اشاره کرد؛ عبارتنداز: «نگاه جامعـه‌شـناختی بـه قـوم یهود در قرآن»، مجله «پژوهش‌های قرآنی» (۱۳۸۵): محمدباقر آخوندی، این مقالـه، بـا بررسـی تعـدادی از آیـات قرآن، برخی از ویژگی‌های اجتماعی این قوم را، استخراج نموده است.

«ویژگی‌های یهود در طول تاریخ، از دیدگاه فریقین با تأکید بر سوره حشر»، مجله «حسنا» (۱۳۹۶): محمدفاکر میبدی، نویسنده در این مقاله، پس از تبیین آیاتی از سوره حشر، با تطبیق ویژگی‌های یهود متقدم در قرآن، با یهود متـأخر، نتیجه گرفته که یهود متاخر نیز، دنباله‌رو یهود متقدم است.

«تفسیری تاریخی از یهود براساس قرآن کریم»، مجله «کتاب قیم» (۱۳۹۱): محمدکاظم شـاکر، در ایـن مقالـه براسـاس آیات قرآن و شواهدی از کتاب مقدس، تاریخ یهود از آغاز تا زمان اسلام، سیر تاریخی عملکرد یهودیان در عصـر نزول و دیدگاه منصفانه قرآن پیرامون یهود، تبیین شده است.

«یهود مدینه، جایگاه فرهنگی و تعاملات فرهنگی با عرب جاهلی و مسلمانان»، مجله «علوم انسـانی دانشـگاه الزهـرا»(۱۳۸۶): سیداحمدرضا خضری، این مقاله به ارائهٔ تحلیلی تاریخی، از جایگـاه فرهنگـی یهـود یثـرب در حجـاز و تبیـین تعـاملات فرهنگی با عرب جاهلی و مسلمانان و زمینه‌های فرهنگی درگیری‌های طرفین در عصر نبوی، پرداخته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

ارتباط پایبندی بر موازین توحیدی در پیشگیری از انحطاط و سقوط این جامعه دینی، مطلبی یافت نشد. از این‌رو، این پژوهش درصدد است تا آسیب‌هایی که عامل سقوط و انحطاط جامعه یهود از منظر خداوند است را، کشف نموده و سپس با تکیه بر بافت پیرامونی، نظیر بافت اجتماعی و ذهنی، به تبیین آن‌ها بپردازد.

۲-آسیب‌های جامعه یهود

چنانکه بیان شد، جامعه یهود، مبتلا به آفاتی بود که التزام آن‌ها به تعهدات دینی را، سست کرده و در نتیجه، در مسیر حرکت جامعه به سمت پویایی و تحقّق تحوّل رو به جلو، خلل ایجاد کرده بود و این جامعه را، به ارتجاع و تزلزل، گرفتار ساخته بود؛ که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۲-۱. آسیب اول: «دنیاطلبی»؛ عامل نابودی جامعه توحیدی و عدم پایداری بر موازین دینی

مهم‌ترین عامل تزلزل جامعه یهود، «دنیاطلبی و ثروت اندوزی» علما، حاکمان و آحاد آن‌هاست؛ که درآیات متعددی از قرآن کریم، بدان اشاره شده است. مثلاً آن‌جا که فرموده: «وَ لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلى حَياةٍ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ ما هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِما يَعْمَلُون» (البقره، ۹۶). در این آیه، دنیادوستی یهود، حتی از مشرکان هم، شدیدتر دانسته شده است. یا آن‌جا که فرموده: «أولئِکَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَياةَ الدُّنْيا بِالْآخِرَةِ فَلايُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذابُ وَلاهُمْ يُنْصَرُونَ» (البقره، ۸۶)؛ این آیه کریمه، دنیاطلبی حاکمان، علما و جامعه یهود را، چنان عمیق نشان داده که حاضرند به خاطر منافع مادی، آخرت‌فروشی کرده و خسران ابدی را به دست آورند. در این‌باره بیان شده است که، سران یهود، با دادن رشوه به برخی علما، برای تحریف تورات، عوام را، از ایمان آوردن به رسول خاتم(ص) منصرف می‌کردند (میبدی،۲۴۵/۱)؛ همچنان‌که تزلزل یهود زمان موسی(ع)، در توحید و روی آوردن آن‌ها به گوساله‌پرستی نیز،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

به خاطر گرایش ایشان، به دنیا و مادیات و علاقه وافرشان به طلاها و زیورآلاتی بود کـه، گوساله از آن ساخته شد.

بدون تردید، ثروت‌اندوزی، عامل گسترش آسودگی و راحت‌طلبـی، در جامعـه اسـت؛ چرا که، انس گرفتن با رفاه و تن‌آسایی، تحمل سختی‌ها و هر آنچه مخالف میـل باشـد را، برای اعضای جامعه دشوار می‌سازد و از آن‌جا که، حفظ ایمان و اجرای دستورات دینی در سطح جامعه، ممکن است با سختی‌ها و موانعی همراه باشد، این تـن‌آسـایی و رفـاه‌طلبـی، سبب می‌گردد که، سطح پایبندی به تعهدات دینی در جامعه، تنـزل یابـد. در نتیجـه، صـبغه توحیدی در جامعه کم‌رنگ شده و رفتارهای ناهنجار اخلاقی در جامعه، به ظهور می‌رسـد؛ این امر در یک فرآیند تسلسل‌وار، جامعه دینی را، از موازین الهی و توحیدی، دورتر نموده و در نهایت، به تزلزل و تباهی می‌کشاند.

قرآن کریم در آیات دیگری نیز، به موضوع دنیاطلبی سران یهود و اهتمام آن‌ها به ثـروت اندوزی از طرق مشروع و نامشروع، اشاره نموده است. آن‌جا که فرموده: «**یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُـوا إِنَّ کَثیراً مِنَ الْأَحْبارِ وَ الرُّهْبانِ لَیَأْکُلُونَ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّـهِ وَالَّـذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لایُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیمٍ**» (التوبه، ۳۴)، یـا ایـن آیه که می‌فرماید: «**فَبِظُلْمٍ مِنَ الَذین هادوا حَرَّمنا عَلَیهِم طَیِّبتٍ اَحِلَّت لَهُم وَ بِصَـدِّهِم عَـن سَـبیلِ الله کثیراً* وَاَخذِهِمُ الرِّبا وَقَدنُهوا عَنهُ وَ اَکلِهِم اَموالَ النّاسِ بِالباطِلِ وَاَعتَـدنا لِلکـافرینَ مِـنهُم عذاباً أَلیماً**» (النساء،۱۶۰-۱۶۱). ثروت‌اندوزی و بازداشتن از راه خدا، توسط اکثریت عالمـان و بزرگان یهود، سبب تاثیرپذیری آحاد مردم و تغییر مسـیر حرکـت جامعـه شـده؛ در نتیجـه جامعه را، از رشد و جهش معنوی بازداشته و سرنوشت قوم را، تغییر داده است.

علاقه وافر یهود به مال دوستی و ثروت اندوزی، موضوعی است که مـورد اقـرار خـود یهودیان نیز، واقع شده؛ چنان‌که آورده‌اند: «مطابق قوانین یهودی، بالاترین نرخ ربـا را بایـد یک یهودی، از غیر یهودی بگیرد» (شاهاک، ۱۶۹). همچنین بیان شده اسـت کـه: «روحیـه سودجویی همراه با نفاق و دورویی، همواره بر یهود غالب بوده است» (نکـ : همان، ۱۳۰) و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

یا کارل مارکس- یهودی‌زادهٔ منتقد-، در رابطه با یهودیان می‌نویسد: «مذهب یهودی، کاسب‌کاری و خدای او پول است» (مارکس، ۴۶)؛ یا «خدای واقعی یهودیان، اسکناس است و هیچ خدای دیگری، تاب مقاومت در برابر آن‌ها را، ندارد. آن‌ها، هیچ تفریحی جز داد و ستد اجناس ندارند و تنها، از بهره سخن می‌گویند. اگر لحظه‌ای، چشم از کسب و کار خود بردارند، تنها برای آن است که، کسب و کار رقیب را وارسی نمایند» (مارکس، ۴۷-۴۸).

شاید بتوان ریشه دنیادوستی در جامعه یهود را، در دو چیز جستجو نمود:

اول؛ آموزه‌های موجود در تورات و تلمود؛ که دست نوشته خود یهودیان و متعلق به، پس از زمان موسی(ع) است. در کتاب امثال، مطالب فراوانی در تمجید از ثروت وجود دارد. آن‌جا که آمده: «ثروت ثروتمند، او را محافظت می‌کند» (امثال، ۱۵/۱۰)، یا «ثروت، احترام، اموال و موفقیت، در اختیار من است» (امثال، ۱۸/۸). در مواضع دیگری از تورات نیز، می‌توان نشانه‌هایی از این موضوع را، جست و جو کرد (امثال، ۱۶/۳ و ۴/۲۲).

در تلمود نیز، به وفور قطعاتی وجود دارد، که تشویق به ثروت‌اندوزی می‌کند. به عنوان نمونه؛ یکی از هفت ویژگی انسان شایسته، در تلمود، «ثروت» دانسته شده است. در این کتاب، به ندرت به موردی برمی‌خوریم که در آن، «ثروت»، مذموم شناخته شده باشد. طبیعی است که، نظراتی از این دست در مورد ثروت و دارایی، دیدگاهی زمینی را، نسبت به زندگی تشویق می‌کند (سومبارت، ۲۳۰-۲۳۱).

دوم؛ کم‌رنگ بودن «معاد»، در تعالیم دینی یهود؛ در نخستین کتاب‌های عهد عتیق، به برانگیخته شدن مردگان و یا زندگی ابدی اشاره‌ای نشده و اشارات محدودی هم که هست، دید روشنی در مورد سرای آخرت و زندگی اخروی، به انسان نمی‌دهد. به‌طورکلی، این فقرات در فرهنگ یهودی، به آخرت دنیوی تعبیر شده است (ویل دورانت، ۹۰). به نظر می‌رسد که عبری‌های باستان، به قیامت اعتقاد نداشتند، حتی در میان فرقه‌های مختلف یهود، فرقه صدوقیان، به هنگام ویران شدن معبد، همچنان قیامت را انکار می‌کردند و فرقه آسینی‌ها نیز، برخلاف فرقه فریسیان، به آن ایمان نداشته‌اند (مسیری، ۳۰۶/۵). در اسفار

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

پنج‌گانه موسی(ع) نیز، اشاره مشخصی به ثواب و عقاب نشده و اگر ثواب و عقاب نیز وجود داشته باشد، وجهه قومی به خود گرفته، که به عنوان یک امر کلی، به همه قوم یهود مربوط می‌شود و به افراد ارتباطی ندارد (مسیری، ۳۱۲/۵). بدیهی است که، عدم اعتقاد به وجود جهان پس از مرگ، که حیات اصلی انسان، به آن نشئه متعلق است، دلبستگی انسان را، به زندگی دنیایی تقویت نموده و دنیا را، مقصد اصلی حیات بشر قرار می‌دهد و همین امر، سبب می‌گردد که، برای بهبود کیفیت زندگی دنیایی و کسب بیشتر لذت‌های مادی، از ارتکاب هیچ عملی ابا نشود. این موضوع، به ویژه در مورد سردمداران و حاکمان یک جامعه، مصداق روشن‌تری می‌یابد؛ زیرا، تسلط چنین دیدگاهی بر طبقه حاکمه، تعهد و پایبندی آن‌ها را، در پیاده نمودن ضوابط دینی در جامعه، کاهش می‌دهد و به تدریج، حرکت الهی جامعه توحیدی را، از مسیر اصلی خود منحرف ساخته و به کفر و ایستادگی در برابر حق، منجر می‌گردد. بررسی تاریخ یهود نیز، بر این نکته صحه گذاشته و نشان می‌دهد که، روی آوردن رهبران یهود به دنیاگرایی، جامعه یهود را، دچار انحطاط نموده است. چنان‌که، در یکی از کتب تاریخ یهود، این‌گونه بدان اشاره شده: «با روی آوردن یهود به دنیاگرایی، شرارت و فساد اخلاقی بر جامعه، غالب شده بود. حکام و اشراف‌زادگان، بی‌رحم و سرکوب‌گر، قاضیان، رشوه‌خوار و فاسد، و اغنیا، سنگدل و خوشگذران بودند. فسق و فجور و هرزه‌گی در سراسر کشور، رواج داشته و حتی، عبادتگاه‌ها از این آسیب، مصون نبودند. در این زمان، عاموس نبّی، ظهور نمود و توجه خود را، به انحراف اخلاقی امتی متمرکز کرد که، تجمّل‌پرستی و خوشگذرانی در آن‌ها، سستی و رخوت پدیدآورده بود» (اپستاین، ۴۵).

این حقیقت، در جامعه یهود صدر اسلام نیز، نمایان است و خداوند در آیاتی از سوره بقره (۸۶ و ۴۱)، یکی از مهم‌ترین عوامل کفر یهود و ایستادگی در برابر حق را، علاقه احبار و حاکمان یهود، به دنیا و آخرت‌فروشی عنوان کرده است؛ زیرا، از آثار دنیاطلبی در یک جامعه این است که، رهبران و اعضای آن با هر آنچه با منافع مادی و دنیایی‌شان در تضاد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

باشد، حتی دستورات و موازین دینی، ستیزه می‌کنند. این امر، مانع از تحول جامعه و سبب تزلزل آن خواهد شد؛ زیرا، یکی از ملزومات تمدّن‌سازی و جامعه‌سازی، پایبندی و به اجرا در آوردن موازین دینی، در کنار توسعه و پیشرفت همه‌جانبه، در جامعه است. بنابراین، حرکت جامعه یهود به سمت ثروت‌اندوزی، آن را دچار استحاله فکری کرده و التزام یهودیان را، نسبت به موازین دینی سست نمود و هویت اصیل دینی را، از آن‌ها سلب کرد. از دست دادن هویت و اندوخته‌های معنوی یک جامعه، مساوی با سقوط و مرگ تمدّنی آن جامعه، خواهد بود. به همین دلیل جامعه یهود، همواره در طول تاریخ، ملتی طرد شده بوده که، سرزمینی برای تشکیل حکومت نداشته است.

۲-۲. آسیب دوم؛ «قومیت‌گرایی»

دومین آسیبی که حاکمان، غالب علما و عوام یهود را، به خود مبتلا نمود و مانع پایبندی آن‌ها، در اجرای ضوابط و دستورات الهی شده، «قومیت‌گرایی و برتری‌طلبی» بوده است. به این موضوع در آیه «**بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْياً أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلى مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ فَباؤُ بِغَضَبٍ عَلى غَضَبٍ وَ لِلْكافِرِينَ عَذابٌ مُهِينٌ**» (البقره، ۹۰)؛ اشاره شده است؛ زیرا، همان‌گونه که مفسران آورده‌اند، در این آیه، «بغی» در معنای «حسد» به‌کار رفته و یکی از علل کفر ورزیدن یهود به پیامبر اسلام(ص)، «حسادت» دانسته شده است؛ یعنی اهل کتاب، حسد می‌ورزیدند که خدای تعالی، فضل خود؛ یعنی نبوّت و کتاب را بر غیر بنی‌اسرائیل فروفرستاده است (نک: طبرسی، ۳۱۲/۱؛ رازی، ۵۶/۲؛ طوسی، ۳۴۹/۱؛ طباطبایی، ۲۲۲/۱). این حسادت، برخاسته از قوم‌گرایی یهود بود؛ زیرا، از نظر یهود، پیامبران غیراسرائیلی فاقد سلامت هستند (کوهن، ۱۴۱). حسادت یهود در دیگر آیات قرآن نیز، مورد توجه قرار گرفته، آن‌جا که فرموده: «**أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيباً مِنَ الْكِتابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا...أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...**» (النساء، ۵۱ و ۵۴)،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

که منظور از «ناس»، پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان هستند که، مورد حسادت قرار گرفته‌اند (حویزی، ۴۹۰/۱-۴۹۱).

به موضوع قومیت‌گرایی و برتری‌طلبی یهود، در آیات دیگری از قرآن نیز، اشاره شده است. مثلاً؛ آن‌جاکه فرموده: «**وَ قالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصارى نَحْنُ أَبْناءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاؤُه**» (المائده، ۱۸). پرچمداران جامعه یهود صدراسلام، قائل به مقام برگزیدگی، برای خود بودند. آن‌ها هدایت و نجات را، تنها از آن خود می‌پنداشتند: «**وَ قالُوا كُونُوا هُوداً أَوْ نَصارى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْراهِيمَ حَنِيفاً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ**» (البقره، ۱۳۵)، این دیدگاه در میان یهود، تا آن‌جا ریشه دوانده بود که سرای آخرت را نیز، مختص به خود پنداشته و خود را، از عذاب الهی ایمن می‌دانستند: «**وَ قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلاَّ أَيَّاماً مَعْدُودَةً**» (البقره،۸۰)، اما خداوند در آیات «**قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْداً فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ**» (همان‌جا)، و «**قُلْ إِنْ كانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ**» (البقره، ۹۴)، آن‌ها را سرزنش و اعتقاد ایشان را، باطل اعلام کرده است. البته در آموزه‌های اسلامی نیز، به فضیلت و برتری بنی‌اسرائیل بر جهانیان، تصریح شده (البقره، ۴۷ و ۱۲۲؛ الاعراف، ۱۴۰؛ الجاثیه، ۱۶؛ الدخان، ۳۲)؛ اما لازم به ذکر است که، مدلول این آیات، یا برگزیدگی از برخی جهات است، مانند ارسال رسل فراوان به سوی آن‌ها، یا برخورداری از منّ و سلوی و امتیازاتی از این قبیل، که در این صورت، مراد از این برتری، بر تمامی امت‌های عالم است (طباطبایی، ۱۴۱/۱۸)، یا یک، برتری همه‌جانبه مراد است، که در آن صورت، قوم یهود در مقطع زمانی خاصی و آن هم در قلمرو جغرافیایی خودشان، بر سایر اقوام، برتری و منزلت ویژه‌ای یافته‌اند؛ زیرا، اگر غرض آیات، برتری و فضیلت این قوم، در تمام اعصار و بر تمام جهانیان باشد، با آیه ۱۱۰ آل‌عمران، که امت مسلمان را، بهترین امت در میان مردم می‌داند، منافات خواهد داشت (گندمی، ۹۵).

شایان ذکر است که، ریشه اعتقاد یهود به برگزیدگی را، می‌توان در تورات جست و جو نمود، آن‌جا که آمده: «اگر مطیع من باشید و عهد مرا نگه دارید، از میان همه اقوام، شما قوم

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

خاص من خواهید بود» (سفرخروج، ۱۹/۵). با دقت در فقره مورد نظر، روشن می‌گردد که قوم خاص و برگزیده بودن برای یهود، مشروط اعلام شده است. بر همین اساس، آنان تا زمانی قوم خاص خدا هستند که، مطیع خداوند باشند و عهد او را که عمل به شریعت است، رعایت نمایند. پس، این برگزیدگی مشروط است، نه مطلق و شرط آن، اطاعت از خداست (bdj,88). در غیر این صورت، این موهبت عظیم الهی، از آنان گرفته خواهد شد؛ زیرا، سنت الهی چنین است که چون قومی، نعمتی از نعمت‌های خداوند را، پاس ندارند، از آن‌ها سلب خواهد نمود: «**ذلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّراً نِعْمَةً أَنْعَمَها عَلی قَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمیعٌ عَلیمٌ**» (الانفال، ۵۳). در سِفر تثنیه نیز، پس از ذکر نعمت‌ها و برکاتی که خدا، در سرزمین موعود به این قوم خواهد بخشید، به آن‌ها هشدار داده، که اگر دیگر خدایان را عبادت کنند و قوانین الهی را پاس ندارند، لعنت و عذاب خدا، رسوایی، خواری و سرگردانی در میان سایر ملل و انواع گرفتاری‌ها و بیماری‌ها گریبان‌گیر آنان خواهد شد (تثنیه، ۱۳/۲۸-۳۷) در اول پادشاهان نیز، به این نکته تصریح شده است (اول پادشاهان، ۹/ ۶-۹). بنابراین، چون قوم یهود، شروط برگزیدگی را جامه عمل نپوشاندند، از این موهبت محروم شدند. با این وجود، واژه برگزیدگی در میان یهود، به مرور زمان تطور معنایی پیدا نمود و شرط تعبّد و وفای به عهد الهی، از حافظهٔ این قوم، محو شده و مفهوم قومیت‌گرایی به خود گرفت.

قومیت‌گرایی یهود، به افزایش شعائری می‌انجامد که هدف آن‌ها، کناره‌گیری قوم یهود از دیگران و محیط پیرامون خود، می‌باشد. از جمله این شعائر، می‌توان به جشن روزشنبه، ختنه، قوانین مربوط به غذا، تحریم ازدواج با بیگانه و مراسم مربوط به طهارت، اشاره نمود. این تفکر برتری‌طلبی، گاه تا جایی به افراط می‌انجامد که، غیریهودیان در برخی حالات، کاملا نجس و ناپاک شمرده می‌شوند. حتی اقدام خدا در خلقت آن‌ها به شکل انسان، بر اساس برخی دیدگاه‌های افراطی، به این دلیل بوده که خدا می‌خواسته، آن‌ها آسان‌تر به یهودیان خدمت کنند. با این وصف، غیر یهودیان در این دیدگاه، خارج از حیطه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

قداست قرار می‌گیرند و از این‌رو، دزدی از آن‌ها و کشتن‌شان مباح است (مسیری، ۲۳/۵). به عقیده آنان، سایر ملت‌ها همچون حیواناتی هستند که برای بهره‌گیری بهتر یهود از آن‌ها، به صورت انسان آفریده شده‌اند و باید در خدمت یهود باشند (محمدعیسی، ۴۱۱).[۱]

بنابر آنچه گذشت، چون یهود بر باورهای غلطی تأکید و اصرار داشتند که آن‌ها را، به سمت اکتفا به داشته‌های موجود سوق می‌داد که تنها، ظاهری از شریعت و کتاب آسمانی و قومیت‌گرایی یهود بود؛ به جای التزام و تأکید بر موازین دینی خود، که مهم‌ترینش در آن زمان، تصدیق موعود آخرالزمان بود، در اجرای فرامین الهی و تعهدات دینی، سست شدند. با توجه به این‌که، بدون التزام به موازین دینی، شروط تحقّق تحوّل روبه جلو کامل نبوده؛ در نتیجه، تحقّق رو به جلو حاصل نخواهد شد. به همین دلیل، جامعه یهود صدر اسلام، به جای حرکت به سمت تمدّنی نوگرا و متجدد، گرفتار ارتجاع و عقبگرد شدند.

۳- تبیین آسیب‌ها برمبنای بافت اجتماعی و ذهنی

آنچه تا بدین‌جا پیرامون آسیب‌های گریبان‌گیر جامعه یهود که - عامل عدم پایداری آن‌ها بر موازین توحیدی بود- بیان شد؛ از رهگذر واکاوی مؤلفه‌های بافت اجتماعی و ذهنی نیز قابل تبیین و تحلیل است؛ که برگرفته از الگوی وان دایک، در جدیدترین کتابش Discourse and Context (وان دایک، ۷۶) برای ترسیم زوایای مختلف بافت پیرامونی می‌باشد، که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

۳-۱. بافت اجتماعی

مراد از بافت اجتماعی، بافتی است که کنشگران در آن زندگی می‌کنند و بر مبنای فضای حاکم بر آن و مخاطبان خود، کنش‌های خود را گزینش، چینش و کاربری

---

۱. این نظر، نه تنها در میان غیر یهود، بلکه از سوی برخی از یهودیان نیز مورد نقد واقع شده و این موضوع که قومی در پیشگاه خدا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد و با دیگر اقوام و ملل تفاوت داشته باشد، پذیرفته نیست. منتقدان، این اندیشه را کاملاً رد کرده و معتقدند، یهودیان انسان‌هایی در میان انسان‌های دیگر و بنی‌اسرائیل، قومی در میان دیگر اقوام است و دلیلی ندارد که با آن‌ها متفاوت باشد (EJ , 5/ 501-502).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

می‌نمایند. اهمیت بافت اجتماعی به حدی است که، روابط میان کنشگران، در چگونگی ادب گفتاری و نحوه گزینش واژگان و عبارات نیز، تأثیرگذار است. از این‌رو، در تحلیل معنای یک متن، آگاهی از بافت اجتماعی حاکم بر آن و شناسایی جایگاه اجتماعی کنشگران، اهمیت ویژه‌ای دارد (نک: صانعی‌پور، ۸۹-۹۲). بافت اجتماعی در جامعه یهود صدر اسلام، به مؤلفه‌های کوچک‌تری از قبیل بافت اقتصادی و فرهنگی، تقسیم می‌گردد.

۳-۱-۱. بافت اقتصادی یهود صدر اسلام

بررسی بافت اقتصادی یهود صدر اسلام، بر دنیادوستی و ثروت‌اندوزی سردمداران و برخی از کاهنان و علمای یهود و آحاد این قوم، صحه می‌گذارد. چنان‌که از کلام محققان برمی‌آید، یهودیان در زمینه اقتصادی، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای داشتند و از اوضاع خوب و پررونقی برخوردار بودند. آن‌ها در هر نقطه از عربستان که سکونت می‌کردند، به کشاورزی شهره بودند. همچنان‌که در یثرب و اطراف آن، موفق به ایجاد نخلستان‌ها و راه‌اندازی صنعت‌هایی چون طلاسازی، آهنگری، ریخته‌گری و اسلحه‌سازی، شده بودند (نک: جوادعلی، ۵۴۵/۶). منابع مالی و مرغوب‌ترین اراضی زراعی یثرب، عمدتاً در تسلط یهودیان قرار داشت، از این‌رو، برگروه‌های کوچک اعراب، که بیشتر متعلق به اوس بودند و داخل قلمرو یهود، یا نزدیک آن‌ها متفرق شده بودند، برتری می‌جستند (نک: منتگمری وات، ۲۷۹). صنعت‌هایی که بهره‌کشی از امکانات اقتصادی بومیان را برایشان آسان می‌ساخت، در اختیار آن‌ها بود. رباخواری، رشوه و قرض ربوی نیز، از مشاغل رایج در میان یهودیان و از ارکان مهم اقتصادی آن‌ها، به شمار می‌رفت (نک: جوادعلی، ۵۴۵/۶). یهودیان، تولید کننده طلا و نقره در عربستان بودند و سکه‌های طلا را، برای بزرگان عرب تهیه می‌کردند. یهودیان، بیشتر به حرفه تجارت و داد و ستد مشغول بودند. آن‌ها کالاهای معینی مانند: پشم، ابریشم، گندم، طلا و نقره را احتکار می‌کردند، تا در بازارها نایاب شود و در نهایت، بتوانند نبض عرضه و تقاضاها را آن‌گونه که می‌خواهند، در

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

دست بگیرند. آن‌ها، با احتکار سکه‌های طلا و نقره و سپس قرض دادن به مسیحیان نیازمند، با سودهای کلان و ربای فاحش، به انباشت ثروت می‌پرداختند (ماهراحمد، ۱۲۴). هرچند، یهودیان، در زمینه اقتصادی، به هم‌کیشان خود نیز، رحم نمی‌کردند. به اعتراف یکی از نویسندگان یهودی، ویژگی بنیادین جامعه یهود، فریبکاری است؛ که از سوی ثروتمندان یهود، در چارچوب یک روح سودپرستی، به زیان یهودیان فقیر و به سود طبقه یهودی مسلط، اعمال می‌گردید. دین یهود، برای طبقه مرفّه و نیز سردمداران جامعه خویش، با فریبکاری، معافیت‌هایی قائل شده، اما هیچ معافیتی به طور خاص، به سود یهودیان فقیر اعلام نشده است. به عنوان مثال، زمانی که یهودیان از گرسنگی می‌مردند، هرگز حاخام‌های آنان که زندگیشان در خطر نبود و خودشان به ندرت با این نوع محدودیت‌ها روبرو بودند، آن‌ها را مجاز نکردند که حتی، یک نوع غذای ممنوع را، بخورند (نکـ : شاهاک، ۱۲۹-۱۳۱).

هنگامی که پیامبر اسلام(ص)، از مکه به مدینه هجرت نمود، سه قبیله بنی‌قینقاع، بنی‌قریظه و بنی‌نضیر از یهودیان، در مدینه زندگی می‌کردند. آنان در مدینه کارگاه‌های شراب‌سازی، مراکز فحشا و چراگاه‌های خوک، تأسیس کرده بودند و نبض اقتصاد مدینه، در دست آنان بود. اما، پس از استقرار رسول اکرم(ص) در مدینه، یهودیان منافع و امتیازات خود را به‌طور مستقیم در خطر دیدند؛ زیرا، پس از آمدن پیامبر(ص)، جوانان مدینه دیگر به میکده‌ها و مراکز فساد آن‌ها، رفت و آمد نمی‌کردند و اهالی مدینه، گوشت خوک نمی‌خوردند و این، یعنی یهودیان، تمام منابع درآمد خود را، از دست خواهند داد. به علاوه، پیامبر(ص) به بازرگانان مسلمان دستور داده بود تا در مدینه، بازار جدیدی احداث نمایند. از آن پس، بازرگانان غیرمحلّی نیز، به این بازار روی آورده و آن را بر بازار یهودیان ترجیح دادند؛ زیرا، مقرّرات حاکم در آن عادلانه‌تر بود و منافع فروشنده و خریدار را، بیشتر تأمین می‌کرد. همین امر، به تنهایی کافی بود تا، سینه یهودیان را از کینه نسبت به پیامبر(ص) و مسلمانان پر کند و آنان را، به شکستن پیمان‌نامه‌ها و مبارزه بر علیه اسلام سوق دهد (نکـ : مغنیه، ۱، ۹۲ و ۲۰۴-۲۰۵).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

بنابراین، با ورود اسلام به سرزمین مدینه، تمام آمال سران و بزرگان یهود در زمینه اقتصادی بر باد رفت و سلطه بر اقتصاد یثرب را، از دست آنان خارج نمود و جایگاه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها، با ورواسلام به مدینه، به طور ملموسی رو به افول نهاد و چون برخی احکام اسلام، از قبیل تحریم ربا و رشوه، با ارکان اقتصادی یهود در تعارض بود، آنان نیز در تضعیف اسلام کم نگذاشتند.

تحلیل بافت اقتصادی یهود، این نکته را روشن می‌سازد که، تزلزل جامعه یهود و فقدان پایبندی به موازین دینی، از عملکرد احبار و بزرگان یهود، نشأت گرفته و چون شعاع پایداری اجتماعی، دایره اجتماع را دربرمی‌گیرد، سرنوشت عوام جامعه یهود را نیز، تحت تأثیر قرار داده است. از آن‌جا که، سران و حاکمان یهود، به شدت تحت تأثیر اندیشه دنیادوستی و ثروت اندوزی، قرار داشتند و دنیاطلبی، پایبندی بر مواضع دینی و توحیدی را سست می‌کند، ترس از دست دادن موقعیت مطلوب اقتصادی یهود، مانع از آن بود که به دستورات دینی تورات و عهدی که خداوند از علما و دانشمندان، مبنی بر اقرار به حق و برپاداشتن آن گرفته، پایبند بمانند. به همین دلیل، موازین توحیدی آیین خویش و تصدیق حق، که در آن برهه زمانی، شاخص‌ترین آن، تصدیق پیامبر خاتم(ص) بود، را نادیده گرفتند و بدین ترتیب، با اکتفا به داشته‌های قومی و عدم تعهد نسبت به اجرای موازین دینی خود، مانع از تحقّق تحوّل و جهش به سمت تمدّنی متجدّد و نوگرا شده و عامل لغزش و ارتجاع جامعه گشتند.

۳-۱-۲. بافت فرهنگی یهود صدر اسلام

تتبّع در بافت فرهنگی یهود صدر اسلام، نشان از سلطه فرهنگی آنان، بر مردم یثرب دارد. عملکرد احبار در زمینه تعلیم تورات و معارف یهودی، به پایه‌گذاری نهاد دینی فرهنگی بیت‌المدارس در جزیرةالعرب انجامیده بود (ابن‌منظور، ۸۰/۶)، این اقدام با توجه به محدودیت تعداد کنیسه‌های یهودی در حجاز (بلاذری، ۳۳۹/۱)، گامی اساسی در جهت تبیین اعتلای فرهنگی یهود حجاز، در مقابل عرب، به شمارمی‌رفت. چنان‌که مورّخان نیز نوشته‌اند: یهود یثرب، درپی همجواری با مکیان و نیز چالش با مسلمانان، به موقعیت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

فرهنگی ویژه‌ای در حجاز دست یافته بودند (ابـن‌هشـام، ۱۹۳/۲و ۱۷۹). از دیـدگاه قـوم عرب نیز، یهودیان به مثابه اقلیتی فرهیخته به شمار می‌رفتند که پیش از اسـلام، بـه عنـوان گروهی مرجع و پس از آن، به عنوان رقبای سرسختی در مقابل اسـلام، نمایـان شـده و در برابر فرهنگ جاهلی و اسلامی، به جایگاه محکمی دست یافتند (نکـ : جوادعلی، ۱۶۹/۵– ۱۷۰). یهود یثرب، مرجعیت خود را در سراسر جزیـره‌العـرب حفـظ نمـوده و پاسـخگوی پرسش‌های اعراب از علل آفرینش و اسرار هستی بودنـد (ابـن‌خلـدون، ۵۵۵/۱). برتـری یهود نسبت به سایر اقوام، به نحوی بود که ازدواج زن یهودی با مرد عرب، مستلزم، یهودی شدن فرزندان آن‌ها به لحاظ قومی و مذهبی بود (طبری، ۴۸۸/۲). جایگاه فرهنگـی یهـود یثرب، وجاهتی را برای ایشان نزد مشرکان مکه نیز فراهم آورده بود، تا جـایی کـه، تزلـزل ساختارفکری حاکم بر مکه، به دنبال گسترش اسلام و ضرورت دستیابی بـه تـدبیر جـدی، برای مقابله با دعوت پیامبر اسلام(ص)، مکیان را به رایزنی با احبار و بزرگان یهود واداشته و عملکرد مشرکان در برابر اسلام، اساساً منشعب از سلطه فرهنگی یهود بر آنان بود (نکـ : ابن‌سعد، ۱۶۵/۱؛ بیهقی، ۲۶۹/۲–۲۷۰). این سلطه سبب شده بود که، یکی از ابعاد مبـارزه یهود با اسلام، ستیزِ فرهنگی باشد. مبارزاتی از قبیل: الف) مشوب ساختن اذهان مسـلمانان با ایجاد تشکیک در میان آنان؛ طبق آیه ۷۲ سوره آل عمران، یهودیان با مکر و نقشه قبلی، صبحگاهان اسلام آورده و پس از همدلی با مسلمانان، عصرگاهان مرتد شده و برتری دیـن یهود را اعلام می‌داشتند (نکـ : ابن هشام، ۵۵۳/۱) تا مسـلمانان نسـبت بـه حقانیـت دیـن اسلام مردد گردند. ب) یهودیان سؤالاتی را به مشرکان یـاد مـی‌دادنـد، تـا از پیـامبر(ص) بپرسند و با به راه انداختن مجادلات دینی و کلامی با پیامبر، قصد داشـتند آن حضـرت را، در پاسخ‌گویی به آن سؤالات، به چالش بکشانند.

احبار و بزرگان یهود، برای این‌که مانع از ایمان آوردن مردم یهود به دین اسـلام شـوند نیز، از عملکرد فرهنگی استفاده می‌کردند؛ بدین‌نحو که، با تعرض به هـم‌کیشـان نومسـلمان خود، آنان را به عنوان خائنین به دیانت یهود، معرفی می‌نمودند و همـین امـر، زمینـه‌هـای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

برخورد فرهنگی طرفین را مهیا ساخته بود (ابن‌هشام، ۵۵۷/۱؛ ابن اثیر، ۷۰/۱۱)، اما در نتیجهٔ ناکامی یهودیان در میدان مبارزه فرهنگی با اسلام، محور فعالیت یهود بر ضد اسلام، از ناحیه دینی و فرهنگی، به حوزه سیاسی انتقال یافت و درگیری‌های علنی طرفین، آغاز شد و نخستین پیمان‌شکنی علنی، از سوی بنی‌قینقاع و متعاقب، نزاعی فرهنگی، روی داد (نکـ : ابن‌اثیر، ۱۳۷/۲؛ طبری، ۴۷۹/۲).

بدین ترتیب، بررسی تاریخی لایه‌های بافت فرهنگی یهود صدر اسلام، نشان از این دارد که مهم‌ترین شاخصه فرهنگی حاکم بر جامعه یهود و به ویژه سردمداران آن‌ها، فرهنگ برتری‌طلبی و تکبرورزی بر سایراقوام و ملت‌ها بوده، که همین امر، یکی از عوامل تحجّر و ارتجاع این قوم نیز، به حساب می‌آید؛ زیرا، این موضوع سبب شده بود، قوم یهود با بسنده کردن به داشته‌های قومی و فرهنگی خود، گرایش و تلاشی برای بهتر شدن و تحقّق تحوّل روبه جلو نداشته باشد و بدین ترتیب، جامعه را به تحجّر و عقبگرد، دچار نماید. فرهنگ برتری‌طلبی و برگزیدگی، در سراسرتاریخ متمادی یهود، ریشه دوانده و برخاسته از مفاهیم کتاب مقدس آن‌ها بود. به عنوان نمونه، در سِفر تثنیه آمده: «خداوند، تو را برای خود برگزیده است تا، ازجمیع امت‌هایی که در روی زمینند، به جهت او، قوم خاص باشی» (سفر تثنیه، اصحاح، ۲/۱۴)، یا «از همه قوم‌ها مبارک‌تر خواهی شد» (سفرتثنیه، اصحاح، ۱۴/۷).

پیش‌تر اشاره شد که، این برگزیدگی و قوم خاص بودن، حتی در خود تورات، به گونه‌ای مشروط بیان شده و بررسی عملکرد یهود از قبیل عصیان، عهدشکنی، پیامبرکشی و خروج از ایمان، نشان می‌دهد که آن‌ها، نتوانستند این برگزیدگی را برای خود، حفظ کنند. چنانکه در آیات متعددی ازکتاب مقدس، خداوند از غضب خود بر آن‌ها سخن گفته است (خروج، ۹/۳۲–۱۰؛ اعداد، ۱۱/۱۴؛ تثنیه، ۶/۹–۸؛ ارمیا، ۶/۱۱–۱۱؛ زکریا، ۱۲/۷). برخی از دانشمندان یهود نیز، به این نکته توجه نموده و با صراحت اظهار داشته‌اند که قوم بنی‌اسرائیل، دارای برتری ذاتی نیست، بلکه آنان نیز اگر به تورات عمل نکنند، مقام و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

منزلت خویش را، از دست خواهند داد و لطف و رحمت الهی، شامل حال ایشـان نخواهـد شد. این دانشمندان معتقدند که تورات، برای نوع بشرآمده و نه ملتی خاص (کوهن، ۸۲).

بدین ترتیب، با بررسی بافت فرهنگی یهود، یکی از مهـم‌تـرین عوامـل عـدم پایبنـدی جامعه یهود به اجرای موازین توحیدی و در نتیجه، عدم تحقّق تحـوّل رو بـه جلـو روشـن می‌گردد و آن، اصرار به برگزیدگی این قوم و اکتفای سران و احبار یهود به این بـاور غلـط است. در حالی‌که چنانکه گذشت، به خاطر عدم پایبندی یهـود بـه مـوازین دینـی و عـدم رعایت شرط عبودیت و بندگی، نعمت برگزیدگی، از آن‌ها بازستانده شد. اما بزرگان یهـود، با اصرار بر این باور غلط و تعلیم این مطلب به عوام یهود و با تأکید بر قومیت‌گرایی، مـانع از ایمان آحاد جامعه یهود به پیامبری غیراسرائیلی گردیدند؛ زیرا، رهبران یهود، از پایه‌های ایمانی و استدلالی قوی و مستحکمی برخوردار نبودند و به خاطر مادی‌گرایی و دنیـاطلبی، جامعه یهود را، به سلب هویت دینی و ارتجاع و مرگ تمدّنی مبتلا ساختند. در حـالی‌کـه، آنچه ضامن تجدّد و نوگرایی و جهش رو به جلو برای جامعه یهـود بـود، اجـرای مـوازین دینی و الهی بود، نه تأکید بر داشته‌ها و منافع قومی و فرهنگی.

۳-۲. بافت ذهنی

بافت ذهنی، ساختاری شناختی و روانشناختی دارد و مربوط به ذهـن و ابعـاد درونـی کنشگران یک مخاطبه است. علت اهمیت بافـت ذهنـی در تحلیـل مـتن، از آن‌جـا ریشـه می‌گیرد که، تنها راه نفوذ و اثر بافت پیرامونی در تولید، فهم، تفسیر و کاربری‌هـای زبـانی، کنشگران و شرکت‌کنندگان در مخاطبه و رویدادهای گفتاری هستند، که بـا تحلیـل ذهنـی خود، از بافت پیرامونی، کـاربری زبـانی خـود را گـزینش، چیـنش و محقـق مـی‌نماینـد (صانعی‌پور، ۹۵–۹۶). بافت ذهنی در مؤلفه‌هایی نظیر: بافت اعتقادی، بافت هـویتی، بافـت ارزشی و اهداف کنشگران نمود می‌یابد. در ادامه جستار پـیش‌رو، ایـن عناصـر در جامعـه یهود صدر اسلام، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

۳-۲-۱. بافت اعتقادی یهود صدر اسلام

تحلیل لایه‌های اعتقادی قوم یهود، حکایت از این موضوع دارد که، پایه‌های توحید محوری در جامعه یهود، از ابتدا چندان محکم و استوار نبوده و یهودیان، فقط به یک خدا، اعتراف نداشته‌اند. در خود کتاب مقدس نیز، می‌توان نشانه‌هایی از این موضوع یافت (ارمیا، ۲۸/۲ و ۱۱ و ۶-۱۱)؛ زیرا، در نخستین فرمان از ۱۰ فرمان، از یهودیان چنین درخواست شده که خدای خود را، برتر از دیگر خدایان قرار دهند و در سفر تثنیه از یهوه، همچون خدای خدایان یاد شده است (تثنیه، ۱۷/۱۰). ولی در بسیاری از آیات دیگر، یهوه با سایر خدایان مقایسه شده و به برتری و بزرگی او اعتراف شده است (اول پادشاهان، ۲۳/۸؛ مزامیر، ۸۶/۸). در زمان حضرت داوود و سلیمان(ع)، که وحدت سیاسی برقرار شد و معبد اورشلیم به صورت مرکز عبادت یهودیان درآمد و اثر سیاست و تاریخ، در دین نیز انعکاس یافت، یهوه، عنوان خدای یگانه تمام یهودیان را، به خود گرفت. یهودیان جز این گام؛ یعنی توجه به این‌که، آنان را، خدایی بزرگ‌تر از خدایان دیگر افراد بشر است، تا دوره انبیای بنی‌اسرائیل، گام دیگری به طرف توحید واقعی، برنداشتند (ویل‌دورانت، ۳۶۵).

دوره‌های مختلف تاریخ، حتی شاهد بت‌پرستی قوم یهود نیز، بوده است. چنان‌که محققان نوشته‌اند: عهد داوران، دوره انحطاط معنوی بنی‌اسرائیل بود، که ویژگی آن پرستش بعل و اشوریم، ضعف و شکست در نبردها، پس از وفات یوشع بود (هوشنگی، ۱۲۶).

ضعف جامعه یهود در توحیدمحوری، مورد اذعان خود یهودیان نیز، واقع شده است. چنان‌که نقل شده: «جلوه‌های بیرونی دین، در دوران قدرت و شکوفایی اسرائیل، به صبغه بت‌پرستی آمیخته بود. آیین‌های دینی، در جهت پرستش خالصانه یهوه نبود، بلکه به عبادت تلفیقی گوساله‌های زرین، گرایش داشت» (اپستاین، ۴۵). همچنین گفته‌اند: «اقلیت کوچکی از یهودیان هستند، که هنوز هم، به خدای خود ایمان دارند. به نظر می‌رسد که، اکثریت ملت یهودی، خدایش را گم کرده و بت را، جانشین آن نموده است، درست مانند زمان موسی(ع) که، گوساله‌پرستی می‌کردند. اولین علامت این بت‌پرستی – که علامت هر نوع بت‌پرستی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

نیز، هست- این است که، برای دستیابی به منافع خود، حاضرند به هر نوع بی‌انصافی و بی‌عدالتی تن دهند» (شاهاک، ۷۰-۷۲).

در میان یهود صدر اسلام نیز، می‌توان آثاری از این موضوع را، مشاهده نمود. چنان‌که مورّخان اشاره کرده‌اند، تأملی در اشعار شاعران یهودی حجاز، گرایش آنان به بت‌پرستی و عدم تمایل به بازگویی مضامین دینی یهود و داستان‌های تورات را، نمایان می‌سازد. چنان‌چه این روند، در اشعار سمائل یهودی نیز، دیده می‌شود (یعقوبی، ۲۱۹/۱-۲۲۰).

آنچه پیرامون اعتقادات یهود و ضعف توحیدمداری در میان آن‌ها بیان شد، توسط آیات قرآن نیز، تأیید شده و به کفر سران و بزرگان یهود، تصریح (البقره، ۴۱ و ۸۹) و درک و برداشت آن‌ها از کتاب آسمانی، «اَمانیّ» خوانده شده است، آن‌جا که فرموده: «**وَ مِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لا يَعْلَمُونَ الْكِتابَ، إِلَّا أَمانِيَّ**» (البقره، ۷۸). بررسی‌ها نشان می‌دهد که، میزان بهره‌مندی حاکمان یهود از دیانت راستین، بسیار پایین بوده و دین نزد آن‌ها، دستمایه‌ای برای رونق و بهبود زندگی دنیایی، به شمار می‌رفته است. دقت در دیگر آیات قرآن نیز، موضع‌گیری حاکمان و سردمداران قوم یهود، در قبال انگاره‌های دینی، کیفیت ایمان و عقاید و میزان اطاعتشان از دستورات الهی را، آشکار می‌سازد. چنان‌که بیان شد، باور یهود به خداوند، باور و ایمانی حقیقی، نبود. شاهد بر این مدعا، افزون بر آن‌چه از کتاب مقدس ارائه شد، آیه «**سَلْ بَنِي إِسْرائِيلَ كَمْ آتَيْناهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ**» (البقره، ۲۱۱) است. استفهام موجود در آیه، به منظور تقریر و توبیخ بنی‌اسرائیل است که حتی، در زمان خود موسی(ع) نیز، با وجود مشاهده معجزات فراوان الهی، باز هم به گوساله‌پرستی و نافرمانی از آن جناب، روی آوردند. در ادوار بعد نیز، به اشکال گوناگون، به شرک و نافرمانی خدا و افروختن آتش خشم الهی، آلوده گشتند (طیب، ۳۹۱/۲). در دوران صدر اسلام نیز، یهودیان با انکار نبوت خاتم، در ورطه کفر قرار گرفتند. چنان‌که در آیه: «**آمِنُوا بِما أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِما مَعَكُمْ وَلا تَكُونُوا أَوَّلَ كافِرٍ بِهِ**» (البقره، ۴۱) با تعبیر «**وَلا تَكُونُوا أَوَّلَ كافِرٍ بِهِ**»؛ به این موضوع تصریح کرده و به علما و سردمداران

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

یهود، هشدار داده که، شما اولین گروه از اهل کتاب هستید که با تکذیب پیامبراسلام(ص)، در واقع کتاب آسمانی خویش را، تکذیب کرده‌اید؛ زیرا، بشارت به پیامبر اسلام(ص) را، در آن دیده‌اید و تکذیب آن حضرت، مساوی با تکذیب کتاب خودتان است(نکـ : فخررازی، ۴۸۳/۳؛ زمخشری، ۱۳۱/۱).

نه تنها حاکمان و سران، بلکه غالب علمای حاکم بر جامعه یهود صدر اسلام نیز، دچار ضعف در توحید بوده و از ایمان و اعتقاداتشان، به دنبال کسب منافع مادی و ترفیع جایگاه اجتماعی خویش، بودند و در ایمان وعمل به دستورات کتاب آسمانی خویش نیز، بر همین مبنا عمل می‌نمودند (البقره، ۷۹ و۹۱). از این‌رو، اگردستورات دین، منفعتی برای آن‌ها داشت، آن را برای مردم بازگو نموده و به آن توصیه می‌کردند، اما اگر برخی از احکام الهی، منفعت آن‌ها را خدشه‌دار می‌کرد، آن را از مردم پنهان و یا تحریف، می‌کردند (البقره، ۸۹ و ۱۴۶؛ الانعام، ۲۰). برخی محققان یهودی نیز، در تحلیل ماهیت دینی فرهنگی یهود حجاز، آگاهی آنان از دیانت را، در مقایسه با یهود عراق، مصر و بابل، اندک می‌دانند و معتقدند این گروه، احکام دین یهود را، از روحانیون حجاز و احبار طبریه، کسب و کورکورانه از آنان، پیروی می‌کردند (ولفنسون، ۲).

بدین‌ترتیب، بررسی بافت اعتقادی یهود صدر اسلام، نشان می‌دهد که، حاکمان و اکثر علمای جامعه یهود، از ایمان حقیقی و راسخی برخوردار نبودند. به بیان دیگر، پایه‌های ایمانی علما، حاکمان و به تبع آن‌ها، عوام یهود، مبتنی بر پشتوانه فکری و عقلانی نبود. بدیهی است که چنین ایمانی، پایبندی نسبت به مواضع دینی، به وجود نخواهد آورد و در نتیجه برای جامعه، حتی اگر آن جامعه در دیگر ابعاد، از ترقی و پیشرفت برخوردار باشد، تحوّلی رو به جلو، درپی نخواهد داشت؛ بلکه در درازمدت، به تحجّر می‌انجامد و از رهبران و افراد جامعه، مستکبران ضددینی خواهد ساخت، که تنها به فکر منافع خود بوده و تلاشی برای بهینه سازی وضع موجود و حرکت دادن جامعه در مسیر تحوّل و تمدّن دینی نمی‌کنند. به همین دلیل، حاکمان و غالب علمای یهود، در مواجهه با آخرین پیامبر و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

کامل‌ترین نسخه دین الهی –که بسترِ قراردادن جامعه یهود صدر اسلام، در مسیر تحوّل، تمدن‌سازی و نوگرایی بود– با اکتفا به داشته‌های قومی و فرهنگی خویش، درصدد ثابت نگه داشتن وضع موجود برآمدند؛ ازاین‌رو، چون به موازین توحیدی دین خود پایبند نماندند، دچار ارتجاع و عقبگرد شدند.

۳-۲-۲. بافت هویتی

هویت، فرآیند پاسخ‌گویی آگاهانه هر فرد، قوم یا ملت به پرسش‌هایی از این قبیل است که؛ متعلق به کدام قوم، نژاد یا ملت است و خاستگاه اصلی و دائمی آن کجاست و دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و مجموعه خصایص و مشخصاتی که او را از دیگر گروه‌ها و افراد متمایز می‌سازد، چیست؟ (نکـ : باوند، ۲۰)

بررسی مؤلفه هویت در میان جامعه یهود، نشان می‌دهد که مهم‌ترین عنصر هویت‌بخش میان یهودیان، بهره‌مندی از نژاد یهود یا یهودی‌زاده بودن است. در تعاریف گوناگونی که یهودیان از خود داشته‌اند، تأکید بر سه ملاک، به چشم می‌خورد:

۱. ملاک نسبی و خونی: که جنس یهودی را، با خون مرتبط می‌دانند.

۲. ملاک فرهنگی و تراثی: که معتقد است یهودیان، گروهی هستند که دارای سرگذشت و تاریخی مشترک بوده‌اند و در طول قرون متمادی، این رابطه نزدیک، در بین یهودیان حفظ شده است.

۳. ملاک دینی: بدین معنا که یهود، امت برگزیده خداوند است و مصدر این قداست، دین است و تفکیک بین قومیت یهود و عقیده یهودی، ممکن نیست. یهود، امتی مقدس وکیانی برتر است که، قداست آن به خاطر ارتباط خاص بین خدا و امت یهود است (مسیری، ۶۳).

یهودیت گرچه یک دین است، ولی یهودیان، یک گروه قومی– مذهبی به حساب می‌آیند و یهودیت، تأکید فراوانی بر مسئله قومیت دارد. حتی موضوع نبوّت در میان یهود، مقوله‌ای قومیتی است و پیامبران، از نیروهای عمده، حفظ وحدت قومی یهود، محسوب

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

می‌شوند. بر همین اساس، یهودیت ترکیبی از دین و نژاد است، این مطلب توسط خود یهودیان نیز، اذعان شده است، به گونه‌ای که برخی از یهودیان معتقدند، چنان‌چه شخصی که از مادر یهودی زاده شده، به دین دیگری هم بگراید، باز هم یهودی است. حتی بزرگترین آرمان آیین یهود و هدف تعلیم و تربیت درآن، حفظ حیات قومی است و برای تحقّق این امر، لازم است که هر یهودی، به عنوان عضوی از جامعه یهود، هویت یابد. در نظر یهود، پیامبران غیراسرائیلی، فاقد سلامت بودند و وظیفه انبیای بنی‌اسرائیلی هم فقط، حفظ حیات قومی بوده، نه امر به معروف و نهی از منکر. به همین جهت، یهودیان غالباً نسبت به انبیای خود تمرّد و نافرمانی داشته‌اند (نکـ: کوهن، ۱۴۰-۱۴۱).

بررسی بافت هویتی یهود، این موضوع را آشکار می‌کند که، اصرار و پافشاری علما و سردمداران یهود، بر مشهورات غلطی از قبیل؛ نژاد و قومیت و بسنده کردن بر داشته‌های قومی، سبب شد که به جای تأکید و پایبندی بر موازین توحیدی و دستورات دینی، یهودیت را از دین، به سمت قومیت‌گرایی منحرف و ژن و نژاد یهودی را، جایگزین توحیدمحوری نمایند و این چنین، هویت دینی اصیل را، از خودشان سلب نموده و به جای سوق دادن ملت یهود در مسیر تجدّد و تمدّن نوین اسلامی، دچار ارتجاع و مرگ تمدنی نمایند.

۳-۲-۳. بافت ارزشی و اهداف

افراد یک گروه یا قوم، برای گزینش وظایف، تکالیف و اهداف خود، نیازمند ملاک‌ها و معیارهای ارزشی هستند، تا در پرتو آن بتوانند، به داوری درباره مسائل بیرونی بپردازند، که از آن‌ها باعنوان، ارزش‌های متعلق بدان گروه یاد می‌شود (صانعی پور، ۱۱۴).

واکاوی سومین مؤلفه، از بافت ذهنی یهود صدر اسلام، بیانگر این نکته است که، گرایش به دنیادوستی و ثروت‌اندوزی و تأکید بر باورهای غلطی چون، قومیت‌گرایی و برتری‌طلبی در جامعه یهود، استحاله فکری و وارونگی ارزش‌ها وهنجارها به ناهنجارها و ضدارزش‌ها را، به دنبال داشته است. در جامعه یهود، در اثر تسلّط حاکمان و علمای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

مال‌اندوزی که به خداوند معرفتی نداشته، تنها به فکر منافع و موقعیت خویش بودند، تمام اهتمام خود را حبّ دنیا قرار داده بودند و به صِرف داشتن اسم و ظاهر دین و شریعت، به داشته‌های قومی بسنده کرده و تعهد و پایبندی به دستورات و موازین الهی نداشتند؛ ارزش‌های والای انسانی و دینی چون عدالت، انفاق، زهد و تواضع به ضدارزش تبدیل و اموری از قبیل: تفاخر (المائده، ۱۸)، بخل‌ورزی در انفاق به نیازمندان (التوبه،۳۴) و ریاکاری (البقره،۴۴) جایگزین آن‌ها شده بود.

از آنجا که اهداف حاکم بر جامعه، بر مبنای ارزش‌های موجود در آن جامعه، تعیین و هدف‌گذاری می‌گردد، استحاله فکری جامعه یهود و دگرگونی ارزش‌ها در آن، سبب شده بود که، هدف‌گذاری در جامعه یهود نیز، فاقد پشتوانه فکری و عقلانی بوده و مسیر حرکت جامعه یهود به سمت تحوّل روبه جلو، تجدّد و نوگرایی دینی نباشد؛ بلکه عمده‌ترین هدف و انگیزه سران یهود، حفظ حیات قومی و برتری و ریاست آن‌ها بر دیگر اقوام بود. این آرمان قومی، تا آن‌جا برای یهود جدی بود که، پایبندی و اجرای موازین توحیدی و دینی، در کنار تلاش برای توسعه همه جوانب اجتماعی و در نتیجه، تحقّق تحوّل رو به جلو در جامعه را، برای آن‌ها بی‌اهمیت کرده بود.

بنابراین، یکی از علل عمدهٔ ارتجاع و عقبگرد جامعه یهود و کفر سران یهود به دین اسلام، منافات آن، با آرمان قومی آن‌ها بود؛ زیرا، چنان‌که در منابع تاریخی نقل شده، یهودیان برای محافظت از جایگاه ریاست و برتری قومی خویش، در ابتدای ورود اسلام به مدینه، با مسلمانان هم‌پیمان شدند، به گونه‌ای که در برابر اعطای امتیازات بسیار به یهودیان، از آن‌ها، فقط رعایت پیمان عدم تعرّض و در صورت لزوم، دفاع از شهر مدینه خواسته شده بود، اما چون طبقه حاکمه یهود، به اهداف ریاست‌طلبانه خویش دست نیافتند، اقدام به پیمان‌شکنی کرده و مخالفت و مبارزه خود را، با آیین اسلام آغاز نمودند، جنگ‌های متعددی را برعلیه مسلمانان افروختند، با تحریک دشمنان پیامبر(ص) در خارج از مدینه، از قبیل اعراب و مشرکان و نیز همگامی با منافقان داخل مدینه، ضربه‌های کاری

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

به پیکره اسلام فرود آوردند و به‌رغم ایمان گروهی از یهودیـان، سـردمداران و صـاحب نفـوذان جامعه یهود، با زیرپاگذاشتن موازین توحیدی دین خویش و نادیده گرفتن فرامین الهی، به سـبب استکبار، خودبرتربینی وحسادت، ایمان نیاورده و کفـر را انتخـاب نمودنـد (نکـ : ابـن هشـام، ۱۵۹/۲ و ۱۶۴). چنان‌که در منابع تاریخی آمده، آن‌ها حتی، توطئه قتل پیامبر اسلام(ص) را نیز چیده بودند، اما خداوند آن را برملا نمود (طبری، ۱۴۴/۴؛ ابن‌کثیر، ۳۲/۲-۳۳).

بنابراین، در جامعه یهود صدر اسلام، استحاله فکری و دگرگونی ارزش‌ها، سـبب شـده بود که، هدف‌گیری جامعه یهود، به سمت نوگرایی و تمدن‌سازی نباشد. به همین دلیل، قـوم یهود، در برهه حساس تاریخیِ ظهور پیامبر آخرالزمان، نتوانست از سکوی پـرش پـذیرش اسلام استفاده کرده و تحوّل رو به جلو را، شکل دهد. در حالی‌که اگر سران و علمای یهود، به سمت دنیاگرایی کشیده نمی‌شدند و بر باورهای غلطی، همچون قوم برتـر بـودن، اصـرار نداشتند و به آن اکتفا نمی‌کردنـد، نـه تنهـا ارزش‌هـای جامعـه دگرگـون نمـی‌شـد، بلکـه هدف‌گیری جامعه نیز، به سمت و سوی صحیحی شکل می‌گرفـت و بـه پـذیرش اسـلام و تحقّق تحوّل روبه جلو و نوگرایی و تجدّد دینی، منجر می‌شد.

۳-۳. کنش‌ها

کنش‌ها، محصول مشترک بافت اجتماعی و ذهنی اسـت. خداونـد، در آیـات ۱۲۲-۴۰ سوره بقره و نیز به طور پراکنده در دیگر آیات قرآن، نعمت‌ها و کراماتی که بـر یهـود عطـا نموده و کنش‌های آنان، مبنی بر: ناسپاسی، نقض عهد، نفـاق، حسـادت، تحریـف و کتمـان حقیقت و...که برخاسته عدم پایداری بر ایمان و مواضع دینی بوده را، به آن‌ها تـذکر داده و چهره‌ای منفی را از آن‌ها، به تصویر کشیده است، که به نمونه‌هایی از آن، اشاره می‌گردد.

- فراموشی الطاف و نعمت‌های پروردگار: «**یا بَنی‌إِسْرائیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِـیَ الَّتـی أَنْعَمْـتُ عَلَیْکُمْ**» (البقره، ۴۰)، در این آیه، «اذکروا» در معنای «اشکروا» به کار رفتـه (رازی، ۲۳۷/۱) و به نظرمی‌رسد که، مراد از شکر نعمت‌های پروردگار، بـا توجـه بـه فضـا و بافـت آیـات

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

مجاور، تصدیق رسالت نبی اکرم(ص) باشد، که غالب علما و حاکمان یهود، با وجود علم به حقانیت آن حضرت، به خاطر دنیاطلبی و قومیت‌گرایی و اکتفا به داشته‌های دینی و قومی خود، ایشان را انکار نمودند و این اقدام، به منزله ناشکری آن‌ها نسبت به نعمت‌های پروردگار به شمار آمده است.

– نفاق و دورویی: «وَ إِذا لَقُوا الَّذینَ آمَنُوا قالُوا آمَنَّا وَ إِذا خَلا بَعْضُهُمْ إِلی بَعْضٍ قالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِما فَتَحَ اللَّهُ عَلَیْکُمْ لِیُحَاجُّوکُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّکُمْ» (البقره، ۷۶)، به تعبیر شاهاک، محقّق یهودی، نفاق و دورویی، روحیه غالب بر یهود بوده است (شاهاک، ۱۳۰). علمای فاسد و طبقه حاکم بر یهود، از روی نفاق، از عوام یهود می‌خواستند، اوصاف پیامبر خاتم(ص) در تورات را، برای مسلمانان آشکار نکنند؛ یعنی اگرچه حق را شناخته بودند، اما در عمل، اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند. این کنش منافقانه، نشانه ایمان فاقد پشتوانه فکری و عقلانی آن‌هاست؛ زیرا، خداوند در آیه بعد، این عدّه را تخطئه نموده و می‌فرماید: «أَوَلا یَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ ما یُسِرُّونَ وَ ما یُعْلِنُونَ» (البقره، ۷۷)، مدلول کلام خداوند چنین است که این گروه از عالمان و حاکمان یهودی، تصور می‌کردند اگر حقیقت را از مسلمانان پنهان دارند، خداوند نیز، ازآن آگاه نیست و آن‌ها را مؤاخذه نخواهد نمود. این تصور درباره علم خداوند، حاکی از شدت فرورفتگی رهبران و علمای یهود، در مادیات و فقدان باور توحیدی عمیق، در میان آن‌هاست.

– پیمان‌شکنی: «أَوْفُوا بِعَهْدِی أُوفِ بِعَهْدِکُمْ وَ إِیَّایَ فَارْهَبُونِ» (البقره، ۴۰)، «وَإِذْ أَخَذْنا مِیثاقَ بَنِی‌إِسْرائِیلَ لاتَعْبُدُونَ إِلاَّ اللَّهَ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ ذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً وَ أَقِیمُوا الصَّلاةَ وَآتُوا الزَّکاةَ ثُمَّ تَوَلَّیْتُمْ إِلاَّ قَلِیلاً مِنْکُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ» (البقره، ۸۳)؛ این آیه، درصدد بیان پیمانی است که از بنی‌اسرائیل گرفته شده بود، ولی به جز اندکی، بقیه از آن، تخطی کردند. «تولّی»، به معنای رویگرداندن است و «اعراض» دوام و استمرارآن را، می‌رساند (طبرسی، ۲۹۹/۱). بنابراین، استعمال همزمان مصدر تولّی و اعراض در آیه ۸۳، بر این نکته تأکید دارد که، گویی پیمان‌شکنی برای یهود، به یک عادت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

تبدیل شده بود. به موضوع عهدشکنی یهود، در کتاب مقدس نیز، اشاره شده است (ارمیا، ۶/۱۱-۱۱؛ نحمیا، ۲۶/۹-۲۷؛ عاموس، ۶/۵).

– عنادورزی و تحریف کلام خدا: «**أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ**» (البقره، ۷۵)، استفهام موجود در آیه، در معنای «انکار» آمده و به پیامبر(ص) این جزم را می‌دهد که یهود، ایمان نمی‌آورند (آلوسی، ۲۹۸/۱) و تعبیر «**مِنْ بَعْدِماعَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ**»، حاکی از جحود و عناد سردمداران و حاکمان یهود، در تحریف کلام خداست؛ که با وجود علم به فساد عملشان، باز هم بدان اقدام می‌کنند (فخررازی، ۵۶۱/۳). این بدان دلیل است که وقتی ایمان، فاقد پایه‌های استدلالی و عقلی باشد، حتی افراد انقلابی و مؤمن را نیز، در گذر زمان، تبدیل به افراد ضددینی می‌کند که، اساساً دین الهی برای مبارزه با آن‌ها آمده است. بنابراین، عناد و جحود رهبران یهود، نشانه ایمان بدون اندیشه و فاقد پشتوانه عقلی این گروه است.

– توطئه‌گری و اختلاف‌افکنی: «**وَقالَتْ طائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ**» (آل‌عمران، ۷۲)، بنابر آیه مورد نظر، هدف رؤسای توطئه‌گر یهود از اختلاف‌افکنی بین مسلمانان، این بود که، افراد دارای عقول و نفوس ضعیف که در ایمان خود، ثابت قدم نبودند را، نسبت به حقانیت اسلام، دچار تردید و دودلی کنند؛ زیرا عرب امی، اهل کتاب را، نسبت به حقیقت دین و کتب آسمانی آگاه‌تر می‌دانست و بازگشت آن‌ها از دین اسلام، اعراب را نیز، به حقانیت اسلام بدبین می‌نمود (نکـ : قطب، ۴۱۵/۱). منابع تاریخی نیز، اقدامات این عده از یهود را، مورد ذکر قرار داده‌اند (ابن‌هشام، ۵۵۳/۱).

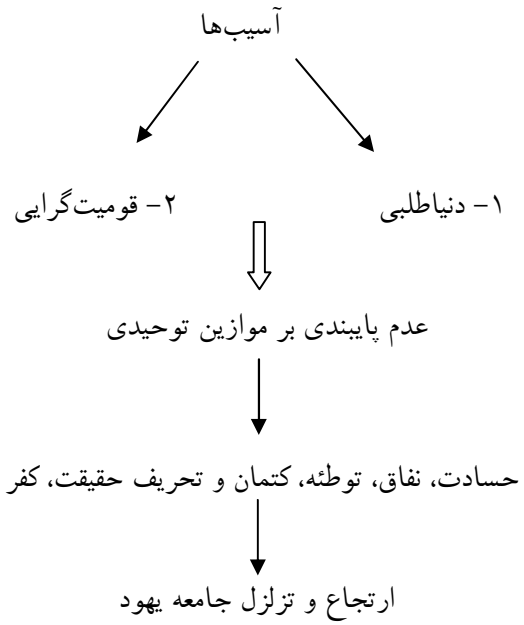
– حسادت: در آیه «**أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْآتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً**» (النساء، ۵۴)، خداوند به‌طور صریح، از حسادت حاکمان و غالب عالمان یهود، نسبت به پیامبر اسلام(ص) و این‌که چرا، خداوند نبوّت آخرالزمان را در میان اعراب قرار داده و از بنی‌اسرائیل خارج نموده، سخن به میان آورده

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

است. این حسادت نیز، برخاسته از حس برتری‌طلبی، قومیت‌گرایی، اکتفا به داشته‌های قومی و اصرار بر باورهای غلطی است که، زمینه‌ساز عدم پایبندی سران و رهبران جامعه یهود، به موازین الهی و در نتیجه، تزلزل و انحطاط جامعه آن‌ها بوده است.

در انتها، نموداری از فرآیند آسیب‌رسانی آفات موجود در جامعه یهود، که موجب عدم پایداری حاکمان یهود، در اجرای موازین توحیدی بوده و به تزلزل و مرگ تمدّنی جامعه یهود انجامیده است، ارائه می‌گردد.



نتایج مقاله

جوامع دینی، علی‌رغم پیشرفت‌های اقتصادی، سیاسی و... بازهم در معرض ارتجاع و عقبگرد هستند؛ زیرا، آنچه ضامن سعادت یک جامعه و تحقق تحوّل روبه جلو است، پایبندی بر موازین دینی و توحیدی، توأم با تلاش در دیگر عرصه‌های اجتماعی است. جامعه یهود، یکی از جوامع توحیدی، دارای کتاب آسمانی و شریعت و برگزیده، توسط خداوند بود که، با وجود پیشرفت‌های اقتصادی، در اثر انحراف از موازین دینی، به انحطاط

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

و تزلزل دچار شد و مورد مذمت پروردگار قرار گرفت. اسناد و شواهد تاریخی و آیات و روایات، حکایت از آن دارند که، اندیشه پرچمداران، سران و علمای این دین، به سمت ثروت‌اندوزی و قومیت‌گرایی منحرف شد. ازاین‌رو، در اداره جامعه، به اجرای فرامین دینی و توحیدی، پایبند نبودند و به خاطر اکتفا به داشته‌های قومی خود، نتوانستند جامعه را، در مسیر تحوّل رو به جلو سوق دهند و از آن‌جا که مردم هر جامعه‌ای، پیرو علما و طبقه حاکمه خویش می‌باشند، جامعه یهود نیز به سبب ثروت اندوزی و قومیت‌گرایی، از موازین توحیدی دور شده و به ارتجاع و عقب‌گرد مبتلا گشتند، تا آنجا که خداوند در قرآن کریم، آن‌ها را از رحمت خود دور داشته و مشمول لعن خود قرارداده است.

از آنجا که هر جامعه ایمانی، در معرض چنین تزلزل و لغزشی قرار دارد، به ویژه این‌که در جامعه امروزی، رشد روزافزون تکنولوژی و پیشرفت امکانات مادی، ارتباط با دیگر جوامع بشری را ضروری می‌نماید، تقدم دنیاگرایی بر انجام موازین دینی، یک انحراف اساسی به شمار می‌آید که، مانع از تحقّق تمدّن نوگرایی دینی و تحوّل رو به جلو خواهد بود. از این‌رو، آسیب‌شناسی، روشی برای شناسایی موانع وآفات پایداری بر اجرای فرامین الهی، به شمارمی‌آید و سبب بیدارسازی علما، حاکمان و آحاد مردم و در نتیجه، استوار نگاه داشتن جامعه توحیدی، در مسیر پایبندی بر مواضع دینی است.

یافته‌ها، حاکی از آن است که، دو آسیب، متوجه عالمان دینی و طبقه حاکمه یهود بوده و پایبندی آن‌ها به موازین دینی را، سست نموده است:

اول، آسیب دنیاطلبی و ثروت‌اندوزی؛ که عامل کم‌رنگ شدن باورتوحیدی در میان حاکمان و غالب علمای یهود بوده و بافت اعتقادی آن‌ها را تضعیف نموده است. دوم، آسیب قومیت‌گرایی و برتری‌طلبی است؛ که در اثر انحراف از مفهوم برگزیدگی به خاطر ایمان، به برگزیدگی به خاطر نژاد ایجاد شده است. این دو آسیب، تزلزل سردمداران جامعه یهود، در اجرای فرامین توحیدی را، به دنبال داشته و ارزش‌ها و اهداف متعالی یک جامعه دینی را، به ارزش‌ها و آرمان‌های مادی، دنیایی همچون ریاست‌طلبی و حفظ حیات قومی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

مبدّل نموده و در نتیجه، کنش‌هایی از قبیل: پیمان‌شکنی، نفاق، توطئه‌گری، حسادت، کتمان و تحریف حقیقت، ایستادگی در برابر حکم خدا و پیامبر و کفر، به وقوع پیوسته است. بدین ترتیب، طبقه حاکم بر جامعه یهود، به رغم ادعای دینداری و باور به خدا و نبوت موسی(ع)، با وجود پیشرفت‌های اقتصادی، به علت برخورداری از ایمان فاقد پشتوانه عقلانی و عدم پایبندی به موازین توحیدی، نه تنها موفق نشدند تحوّل رو به جلو را درجامعه تحقّق بخشند، بلکه جامعه یهود را، به تزلزل و ارتجاع و مرگ تمدّنی دچار ساختند.

بدین‌ترتیب، بررسی بافت اجتماعی و ذهنی جامعه یهود، این مسئله را روشن می‌سازد که، چرا گاهی یک جامعه دینی، باوجود ادعای دینداری و حتی پیشرفت در ابعاد گوناگون اجتماعی، ممکن است دچار تزلزل و انحطاط گردد. ازاین‌رو، توجه به خطر سیر تباهی جامعه یهود، هشداری برای سردمداران جامعه اسلامی است که، چگونه دنیاطلبی، مال‌اندوزی، تکبّر و خودبرتربینی، پایبندی به موازین دینی را سست می‌گرداند و تحقّق توحید، عدالت و تمدّن‌سازی را، در جامعه دینی مختل می‌سازد. این سیر در صورت تداوم، ممکن است تا جایی پیش رود که، سردمداران جوامع اسلامی نیز، همانند رؤسای جامعه یهود، پس از ظهور منجی آخرالزمان(عج)، تصدیق حق را، با منافع مادی خویش در تنافی ببینند و با اکتفا به داشته‌های خود، در برابر حق استکبار ورزیده و به علت عدم پایداری بر مواضع دینی، جامعه را به ارتجاع و انحطاط مبتلا سازند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.

۲. کتاب مقدس (عهدین).

۳. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیرالقرآن العظیم و سبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۴. ابن اثیر، علی بن کرم، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۹۶۵م.

۵. ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.

۶. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت: دارصادر، بی‌تا.

۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.

۸. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، مصر: نشر مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۷۵ق.

۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۹م.

۱۰. اپستاین، ایزیدور، یهودیت بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵ش.

۱۱. باوند، داود، «چالش‌های برون مرزی و هویت ایرانی، در طول تاریخ»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی دانشگاه امام صادق(ع)، شماره ۱۳۰-۱۲۹، ۱۳۷۷ش.

۱۲. بلاذری، احمدبن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.

۱۳. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسن، دلائل النبوه، بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ۱۹۸۵م.

۱۴. جواد، علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۷۰م.

۱۵. حویزی شیرازی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۱۶. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی الخزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

۱۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

۱۸. سومبارت، ورنر، یهودیان و حیات اقتصادی مدرن، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: نشرساقی، ۱۳۹۰ش.

۱۹. شاهاک، اسرائیل، تاریخ یهود-مذهب یهود بار سنگین سه هزاره، ترجمه مجیدشریف، تهران: چاپخش، ۱۳۷۶ش.

۲۰. صانعی‌پور، محمدحسن، مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق،۱۳۹۰ش.

۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.

۲۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۶۰م.

۲۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

۲۵. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیرالقرآن، تهران: نشر اسلام، ۱۳۶۹ش.

۲۶. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیرالکبیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۲۷. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۵ق.

۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۲۹. کوهن، آبراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، بی‌جا: بی‌نا،بی‌تا.

۳۰. گارودی، روژه، تاریخ یک ارتداد، ترجمه مجید شریف، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷ش.

۳۱. گندمی، رضا، «اندیشه قوم برگزیده در یهودیت»، مجله هفت آسمان، شماره ۲۶، ۱۳۷۷ش.

۳۲. مارکس، کارل، درباره مسئله یهود، ترجمه مرتضی محیط، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۱ش.

۳۳. ماهر احمد، آغا، یهودیان فتنه‌گران تاریخ، ترجمه محمدرضا میرزاجان، تهران: قدر ولایت، ۱۳۹۰ش.

۳۴. محمد عیسی، محمدمحمد، «العقیده الیهودیه بین الوحی الهی و الفکر البشریه»، مجله الشریعه و الدراسات الاسلامیه امارات متحده عربی جامعه الکویت، دوره ۲۲، شماره ۶۸، ۲۰۰۷م.

۳۵. مسیری، عبدالوهاب، من هو الیهود، قاهره: دارالشروق، ۲۰۰۲م.

۳۶.همو، دایرةالمعارف یهود یهودیت و صهیونیسم، ترجمه مؤسسات مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۳ش.

۳۷. مغنیه، محمدجواد، التفسیرالکاشف، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۴ق.

۳۸. منتگمری وات، ویلیام، محمد(ص) در مکه، ترجمه عیسی عبدالرحمن عبدالله، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۲۰۰۲م.

۳۹. میبدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران: امیرکبیر،۱۳۷۱ش.

۴۰. نصری، عبدالله، انتظار بشر از دین، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۶ش.

۴۱. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت: الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.

۴۲. ولفنسون، اسرائیل، تاریخ الیهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر اسلام، مصر: مطبعه الاعتماد، ۱۹۲۷م.

۴۳. ویل، دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.

۴۴. هوشنگی، الهام و همکاران، درباره یهود، تهران: کتاب مرجع، ۱۳۹۰ش.

۴۵. یعقوبی، احمد بن علی، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دارصادر، بی‌تا.

46."EJC", Encyclopedia of Jewish Concepts, Birnbaum, Philip, NewYork: Hebrew Publishing Company, 1995m.

47. "BDJ", The Blackwell Dictionary of Judaica, Cohn-Sherbok, Dan, Blackwell: 1992m.

48.Van Dijk, Discourse and Context, A Sociocognitive Approach, Cambridge: Cambridge University press, 2008m.

سخنرانی‌ها:

۴۹. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۴ خرداد ماه ۱۳۹۹.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.14.27.3.3]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-05]